

مقدمه ششم: مراد از عبادات و معاملات در عنوان بحث:

الف) آنچه نهی به آن تعلق می گیرد، یا عبادت است و یا غیر عبادت است. مرحوم آخوند درباره‌ی عبادت می نویسد:

« ما يتعلق به النهی ، اما أن يكون عبادة أو غيرها ، والمراد بالعبادة - هاهنا - ما يكون بنفسه وبعنوانه عبادة له تعالى ، موجباً بذاته للتقرب من حضرته لولا حرمة ، كالسجود والخضوع والخشوع له وتسبيحه وتقديسه ، أو ما لو تعلق الأمر به كان أمره أمراً عبادياً ، لا يكاد يسقط إلّا إذا أتى به بنحو قربي ، كسائر أمثاله ، نحو صوم العيدين والصلاة في أيام العادة ، لا ما أمر به لاجل التعبد به ، ولا ما يتوقف صحته على النية ، ولا ما لا يعلم انحصار المصلحة فيها في شيء ، كما عرف بكل منها العبادة ، ضرورة إنها بواحد منها ، لا يكاد يمكن أن يتعلق بها النهي ، مع ما أورد عليها بالانتقاض طرداً أو عكساً ، أو بغيره ، كما يظهر من مراجعة المطولات ، وأن كان الإشكال بذلك فيها في غير محله ، لأجل كون مثلها من التعريفات ، ليس بحد ولا برسم ، بل من قبيل شرح الاسم ، كما نبهنا عليه غير مرة ، فلا وجه لإطالة الكلام بالنقض والإبرام في تعريف العبادة ، ولا في تعريف غيرها كما هو العادة.^۱»

توضیح:

۱. مراد از عبادت چیزی است که:
 ۲. یا خودش و عنوانش عبادت باشد (به این معنی، اگر منهی عنه نباشد، موجب تقرب به خدای سبحان می شود) [این نوع، عبادت بودند شان متوقف بر وجود امر نیست و به همین جهت، وقتی نهی به آن ها تعلق می گیرد، عبادت بودن آن ها زائل نمی شود، بلکه آنچه به وسیله نهی زائل می شود، مقرب بودن آنهاست] مثال: سجود
 ۳. و یا مأمور به، به امر عبادی است (یعنی اگر امر داشته باشد، این امر جز با قصد قربت ساقط نمی شود) مثال: نهی از صوم یوم العیدین
 ۴. مرحوم شیخ عبادت را چنین تعریف کرده است:
- «عبادت چیزی است که، مأمور به واقع شده است تا به آن تعبّد حاصل شود»
۵. و مرحوم میرزای قمی یک بار عبادت را چنین تعریف کرده است:
- «عبادت چیزی است که صحت آن متوقف بر نیت است»
۶. و بار دیگر آن را چنین معرفی کرده است:

۱. کفایة الاصول، ص ۱۸۱



«عبادت کاری است که مصلحت آن در چیزی که آن را بشناسیم منحصر نیست»

۷. اما این تعاریف هیچکدام صحیح نیست چرا که:

۸. اولاً: اگر عبادت همان باشد که در این تعاریف آمده است، در این صورت امکان ندارد که شارع از آن‌ها نهی کرده باشد.

۹. [ما می‌گوییم: جریان این سخن مرحوم آخوند درباره هر یک از این ۳ تعریف، متفاوت است:

تعریف شیخ: «آنچه مأمور به است، مادام که مأمور به است نمی‌تواند منهی عنه باشد»

پس تعریف عبادت به آنچه مأمور به است، به گونه‌ای است که امکان نهی به آن‌ها وجود ندارد.

تعریف اول میرزای قمی: «آنچه اگر نیت نباشد، صحیح نیست»

مطابق این تعریف، اگر نهی به چیزی تعلق گرفت که دارای این صفت است، اگرچه فساد ناشی از نهی

است ولی بر این «چیز»، عنوان عبادت صادق است چرا که مطابق با این تعریف، عبادت چیزی نیست

که «اگر نیت باشد صحیح است» [تا بگوییم وقتی نهی آمد، این عمل حتی با وجود نیت صحیح نیست و

لذا عبادت نیست] بلکه عبادت چیزی است که «اگر نیت نباشد، صحیح نیست».

إن قلت: در این تعریف گفته شده است که عبادت «کاری است که اگر نیت نیست، باطل است»، و چون

نیت متوقف بر وجود امر است و با وجود نهی، امر منتفی می‌شود، پس با وجود نهی، عبادت قابل تصویر

نیست چراکه نیت قابل فرض نیست. [و این مطلب را می‌توان از ظاهر قوانین هم استفاده کرد]^۱

قلت: اولاً وجود قصد قربت متوقف بر وجود امر نیست.

ثانیاً: مراد از «ما يتوقف صحته على النية» به این معنی است که نیت هم در صحت لازم است، نه اینکه

موانع دیگر نمی‌تواند موجود باشد.

تعریف دوم میرزای قمی: «آنچه مصلحت آن منحصر در معلومات ما نیست».

مطابق این تعریف اگر نهی به چنین عملی تعلق بگیرد، معلوم می‌شود که آن عمل مفسده‌اش از مصلحتش

بیشتر است و لذا گویی اصلاً مصلحت ندارد. پس می‌توان گفت اگر چیزی مصلحت دارد (و این مصلحت

به گونه‌ای است که ما آن را نمی‌شناسیم)، نمی‌تواند متعلق نهی واقع شده باشد.

پس: می‌توان گفت که اشکال اوّل آخوند بر تعریف اوّل میرزا وارد نیست.

۱۰. ثانیاً این تعریف‌ها نه جامع افراد است (عکس) و نه مانع اغیار (طرد) و لذا قابل نقض است.

۱۱. البته می‌توان گفت اشکال نقضی در تعریف، اشکال درستی نیست چرا که چندین بار گفته ایم که این

تعریف‌ها، تعریف‌های حقیقی نیست.

۱. القوانين المحکمه فی الاصول، ج ۱، ص ۳۵۵؛ ایضاً کفایة الاصول فی اسلوبها الجدید، ج ۲، ص ۹۶



۱۲. [ما می‌گوییم: به عنوان نقض های طردی و عکسی مثال هایی مطرح شده است:

«وضو واجب است و تعبدی است و مصلحت آن برای صلاة است»

«توجیه میت به سوی قبله واجب است و توصلی است و مصلحت آن معلوم نیست»

ولی به نظر می‌رسد این نقض ها بر برخی از تعریف ها وارد است و ثانیاً در همین مثال ها ممکن است

بتوان گفت که مصلحت وضو اگر چه برای وصول به صلاة است ولی چرا به این نحوه انجام می شود]

ما می‌گوییم:

۱. ما درباره تعریف های مختلف از عبادت در مباحث سال پنجم^۱ اصول به طور مفصل بحث کرده ایم

۲. حضرت امام درباره عبادات، سخن مرحوم آخوند را پذیرفته‌اند و می‌نویسند:

«المراد بالعبادات هو العناوین الواردة فی الشریعة ممّا لا یسقط أمرها- علی فرض تعلّقه بها-

إلاّ إذا أتیت بوجه قریب، أو کان عنوانها عبادة ذاتا، و بالجملة: مطلق القریبات مع قطع النظر

عن النهی»^۲



۱. ن ک: درسنامه سال پنجم اصول، ص ۱۲۵

۲. مناهج الوصول، ج ۲، ص ۱۵۲